

## بناهای حکومتی دوره زندیه در شیراز و کاربری آن‌ها تا روزگار پهلوی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۱

کد مقاله: ۶۵۱۲۳

منا قربانی<sup>۱\*</sup>، امیرحسین حکمت‌نیا<sup>۲</sup>

### چکیده

شیراز در عصر زندیه و در دوره پادشاهی کریم‌خان زند به عنوان پای‌تخت برگزیده شد و برای آن که این شهر در خور و شایسته این پادشاهی گردد، آبادانی‌های بسیاری آغاز شد. از جمله این آبادانی‌ها ساخت تأسیسات حکومتی زندگی در کنار بسیار ابنیه‌ای بود که در شیراز ساخته شد تا محل استقرار، حکمرانی و پادشاهی کریم‌خان زند و فعالیت بزرگان حکومت باشد. در مجموعه این ابنیه فعالیت‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و حتی امور شخصی شاه صورت می‌گرفت. این پژوهش برای نخستین بار با به‌کارگیری منابع دست اول عصر زندیه و قاجار، نسخ خطی، سفرنامه‌ها و نیز با استفاده از تصاویر موجود از عصر قاجار به بازسازی نقشه جانمایی این تأسیسات پرداخته است. در این پژوهش به ابنیه‌ای پرداخته شده که در مجموعه تأسیسات حکومتی قرار می‌گرفتند و یا در ارتباط مستقیم با آن‌ها بوده‌اند.

واژگان کلیدی: کریم‌خان زند، زندیه، پهلوی، نقشه، شیراز

۱- کارشناس ارشد ایران‌شناسی (نویسنده مسئول) [ghorbani\\_m19@yahoo.com](mailto:ghorbani_m19@yahoo.com)

۲- کارشناس ارشد باستان‌شناسی

کریمخان زند پس از انتخاب شیراز به عنوان پای تخت زندیان و پیش از استقرارش در این شهر، ساخت و ساز بناهای حکومتی را آغاز کرد. تأسیساتی چون ارگ، باغ نظر، دیوانخانه، میدان توپخانه، میدان طویله، میدان وکیل، میدان نعل‌بندان، میدان نقاره‌خانه، نقاره‌خانه، سربازخانه، قورخانه، جبه خانه، ضرابخانه و اصطبل خاصه در پای‌تخت جدید ساخته شد. بناهای شکوه‌مند عمومی چون بازار، مسجد و حمام وکیل در اطراف آن احداث گردید، آن چنان که شهر شیراز تا به امروز بخشی از عظمت خود را مدیون این اقدامات ارزنده کریمخان زند است. متأسفانه نام و جزییات بخش‌های مختلف تأسیسات حکومتی محدث عصر کریمخان اغلب در منابع زندگی عنوان نشده اند و توضیحات به صورت کلی ثبت شده اند. کارکرد بخش‌های مختلف و نیز نام دقیق آن‌ها از میان منابع مختلف زندگی و قاجاری بررسی و تحلیل شده است.

## ۲- آغاز استقرار کریمخان زند در شیراز

کریمخان زند در چهارشنبه ۲ صفر سال ۱۱۷۹ ه.ق وارد شیراز شد (گلستانه، ۱۳۴۶: ۴۵۷)، ۷ روز و شب بازارها و کاروان سراهای شهر آراسته شدند و او تمام وقت خود را صرف ساخت عمارات مستحکم در شیراز کرد (رستم الحکما، ۱۳۴۸: ۳۳۵-۳۳۶ و ۴۱۲). تأسیسات حکومتی زندگی مانند باغ نظر، بارو، دیوانخانه، قورخانه، میدان و ارگ و مرمت بناهای شهری هم‌چون مسجد نو بین سال ۱۱۷۲ ه.ق تا ۱۱۸۰ ه.ق که سال استقرار رسمی کریمخان زند در شیراز بود، تحت دستور کریمخان زند و با نظارت مستقیم صادق خان زند صورت گرفت و ساخت سایر بناها مانند بازار و مسجد پس از استقرار وی و احتمالاً از سال ۱۱۸۳ ه.ق آغاز شد و به مدت ۴ سال به طول انجامید (افسر، ۱۳۵۳: ۱۸۶) و عمران و آبادانی شهر تا پایان زندگی و سلطنت وی ادامه داشت.

## ۳- ارگ یا حرمخانه کریمخان زند

ارگ به معنای بستن و ایجاد مانع است که معمولاً در بلندترین نقطه شهر ساخته می‌شود، پیشینه ساخت ارگ به ۳۰۰۰ پیش از میلاد می‌رسد (کمالی سروستانی، ۱۳۸۴: ۴۸). «کریمخان زند، عمارات رفیع و قصور منبع به جهت نشیمن خویش با قابلیت حرم‌سرا در خوشترین مکان احداث کرد چرا که خوش نداشت در سرای گذشتگان منزل کند» (نامی اصفهانی، ۱۳۶۳: ۱۵۵). بر اساس سفرنامه کارستن نیبور، ارگ در دوره زندیه با عنوان حرم کریمخان آخرین بنای احداث شده از مجموعه تأسیسات کریمخانی بود که در زمان حضور او در شیراز در سال ۱۱۷۹ ه.ق هنوز در حال احداث بود (نیبور، ۱۳۵۴: ۶۸). ارگ با دیوارهای رفیع و خندقی در اطراف با عمقی به ارتفاع دیوارها (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۱۸) و با طرح قلعه بنا شد. پل متحرکی رابط ارگ و میدان بود (Jones, 1833: 106). ژنرال سرپرسی آیرونساید در سال ۱۲۹۹ ه.ش از خندق اطراف ارگ سخن به میان آورده است (رنجبران و گلشنی، ۱۳۹۴: ۳۰۵) که این خندق در ابتدای عصر پهلوی پر شد.

ساخت ارگ بین سالهای ۱۱۷۸ و ۱۱۷۹ آغاز شد و در سال ۱۱۸۰ ه.ق پایان یافت و از آن‌جا که قرار بود حرم‌سرای وکیل باشد اتاق‌های فراوان داشت. سنگ‌های رخام آن مانند ستون‌های سنگی ۸ و ۹ ذرع طول از معادن شیراز استخراج شد و سنگ‌های مرمر آن از تبریز و یزد وارد شد تا آن‌که زمستان شد و در سال ۱۱۸۰ ه.ق طرح‌های ظریف و نقاشی‌های آن مانده بود دوباره استادکاران فوج شتافتند و کار ساخت آن در همان سال به اتمام رسید (نامی اصفهانی، ۱۳۶۳: ۱۵۶-۱۵۹).

مکان ساخت ارگ را پادشاه خود برگزید و در طراحی آن نظارت داشت و آب رکن آباد تا این بنا کشیده شد. برای ساخت این بنا که طراحی خود کریمخان زند بود از معماران، هنرمندان و صنعت‌گران از سراسر ایران دعوت شد تا با خانواده‌های خود به شیراز بیایند (رجبی، ۱۳۸۹: ۱۲۹). در زمان زندگانی کریمخان زند، چند آهو در محوطه ارگ نشو و نما داشتند (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۸/۱۶۱۸). ارگ گاهی به عنوان زندان ایالتی نیز استفاده می‌شد (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۱۷)؛ این بنا هم‌زمان که حرم‌سرا و قصر سلطنتی بود، یکی از برج‌های آن نیز می‌توانست به عنوان زندان ایالتی مورد استفاده قرار گیرد، این‌که یک بنا در یک زمان به عنوان حرم و خوابگاه پادشاه زندیه و نیز به عنوان زندان به کار برده می‌شد به نوعی نقص به حساب می‌آمد، چرا که در جریان زندانی کردن صیدمراد خان و چهار برادر او در برجی از برج‌های ارگ، در عین حال حرم‌سرا و خوابگاه جعفرخان زند پادشاه وقت زندیان نیز بود، از فرصت و ضعف بدنی جعفرخان استفاده کردند با کمک غلام بچه‌ها به محوطه ارگ رفتند و او را به قتل رساندند، سرش را از تن جدا کردند، از کنگره‌های ارگ در مقابل چشمان همه به پایین انداختند و صیدمراد خان بر تخت نشست (نامی اصفهانی، ۱۳۶۳: ۳۱۲-۳۱۴). لطف‌علی‌خان زند، آخرین پادشاه زندگی ساکن ارگ بود. آغا محمدخان قاجار پس از استیلا بر زندیان، دو ستون سنگی ارگ، سنگ‌های مرمر، ازاره‌ها و درهای خاتم فاخر ارگ را از جای خود برداشت و به کاخ گلستان تهران برد (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۱/۶۵۴). سرهارفورده جونز، ارگ را در ابتدای عصر قاجار، محل خزانه سلطنتی، قصر و اندرون معرفی کرده‌است (Jones, 1833: 106).

همسر ویلیام اوزلی در سفرشان به شیراز در زمان حکمرانی حسین‌علی میرزا فرمان‌فرما با مادر حاکم در حرم (ارگ) ملاقات کرد که ملکه در کنار دختر زیبای شانزده ساله خود در ایوان بر روی زمین نشسته بود و زنان حاکم مقابل آنها در ردیفی قرار داشتند و میوه، شیرینی و شربت در ظروف طلا پذیرایی می‌شد (Morier, 1818: 61-62). طبق تغییرات گسترده‌ای که در سه عصر

۱ در تصاویر شین وادا جهانگرد ژاپنی از ارگ در سال ۱۳۰۸ ه.ش، خندقی به چشم نمی‌خورد.  
۲ از این نوشته می‌توان به محل خوابگاه پادشاه زندیان نیز با اطمینان پی برد.

زندیه، قاجار و پهلوی در تأسیسات زندیه رخ داد، بررسی کاربری ارگ باید در هر دوره تاریخی و نیز در هر دوره حاکمیت به طور جداگانه بررسی شود.

در زمان حکمرانی شعاع السلطنه، بنایی عظیم در میان محوطه ارگ با طراحی مزین الدوله (طراح سازه فلزی مزار حافظ) و زین العابدین خان مدبر السلطنه نوری در سال ۱۳۱۹ ه.ق ساخته شد که مقر والیان فارس به حساب می‌آمد (افسر، ۱۳۵۳: ۲۷۰) و تا دوران پهلوی دوم نیز وجود داشت (مصطفوی، ۱۳۴۳: ۵۸). در کتاب وقایع اتفاقیه در توصیف احداث این بنا آمده است که: «چهارشنبه ۱۹ جمادی الاولی سال ۱۳۱۹ ه.ق [...] حضرت والا شعاع السلطنه چند روز است که از باغ ارم و رشک بهشت با اندرون به شهر تشریف آورده‌اند، چون هنوز بنایی ارگ تمام نشده نصفه باغ حکومتی را چادر زده با خلوت<sup>۱</sup> اندرونی کرده اند تا ارگ تمام شود<sup>۲</sup> و خود والا مقام صبح‌ها در کلاه فرنگی به کارهای حکومت می‌رسند» (سیرجانی، ۱۳۸۳: ۶۴۸). لرد کرزن که در زمان حکمرانی معتمدالدوله در عصر پادشاهی ناصرالدین شاه به شیراز سفر کرده است عنوان می‌کند که ارگ اقامتگاه معتمدالدوله است (کرزن، ۱۳۷۳: ۱۲۱). تصاویری از این بنا در مجموعه عکس آلبرت کان<sup>۳</sup> موجود است.

میرزا جعفر خان ملقب به سهام الدوله اولین حاکم فارس در رجب سال ۱۳۲۷ ه.ق در دوره مشروطیت دوم پس از خلع محمدعلی شاه قاجار بود و برای آنکه مردم را با شیوه حکومت مشروطه، تقسیم کار و سرعت جریان آشنا سازد از فردای روز ورود به شیراز، ارگ کریم‌خانی را مرکز ادارات دولتی قرار داد. بالای هر اتاقی تابلویی زد و آن را مخصوص کاری قرار داد. ارگ کریم‌خانی از کثرت رفت و آمد مردم و جار و جنجال، مانند بازار وکیل شده بود و ارباب رجوع به ادارات جدید التاسیس هجوم می‌آوردند. کسانی هم که کار نداشتند برای دیدن ارگ کریم‌خانی هم که بود چون مانعی در پیش نبود در گوشه و کنار ارگ نشستند بودند و خود شخص سهام الدوله با عصا در میان جمعیت همانند فردی از افراد مراقب جریان بود و رفت و آمد می‌کرد (استخر، ۱۳۸۸: ۸۵ و ۸۶). همان‌گونه که گاهی در عصر زندیه ارگ به عنوان زندان استفاده می‌شد، در عصر قاجار نیز این بنا بارها به عنوان محبس (زندان) کریم‌خانی مورد استفاده قرار می‌گرفت (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۸۵۱ / ۱) و در کتاب ارزشمند تحفه نیر بارها از این بنا به عنوان زندان یاد شده است (نیر شیرازی، ۱۳۸۳: ۲۰۳ و ۲۱۵) اما ارگ رسماً در دوره پهلوی از سال ۱۳۰۴ ه.ش تا پیش از سال ۱۳۵۰ ه.ش به عنوان زندان استفاده می‌شد (صانع، ۱۳۹۰: ۱۵۶) و تابلویی با عنوان شهربانی بر بالای ورودی آن نصب بود (کریمی، ۱۳۲۷: ۴۰) و در این مدت ارگ به دو قسمت تقسیم شده بود و در آن اتاق‌هایی برای زندانیان شکل گرفته بود (امداد، ۱۳۳۹: ۲۰۲). پای برج‌های این ارگ به عنوان بناهای خدماتی چون اتاق خدمه و حمام<sup>۴</sup> استفاده می‌شد و یکی از برج‌ها زندان زنان بود. بناهایی نیز در دوره پهلوی در اطراف ارگ ساخته شده بودند که در سال ۱۳۳۳ ه.ش تخریب شدند (کمالی سروستانی، ۱۳۸۴: ۵۱ و ۵۲). بین سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۱ ه.ش تصمیماتی مبنی بر استفاده از بنای ارگ به عنوان حوزه علمیه گرفته شده بود (مرکز اسناد فارس، ۱۳۰۹/۲۳۰/۱۱۷) و مدتی نیز اداره میراث فرهنگی استان فارس بود تا آنکه به عنوان موزه ارگ به روی عموم گشوده شد (کمالی سروستانی، ۱۳۸۴: ۶۴).

#### ۴- دیوان‌خانه یا تلگراف‌خانه

این بنا با ابعاد ۸۴۰ متر مربع (سروستانی، ۱۳۸۴: ۲۵۷) که کارستن نیبور از آن به عنوان کاخ بیگلربیگی نام برده است، پیش از ارگ بنا شد و جزو اولین بناهای ساخته شده در دوره زندیان بود. این بنا در حکم دادگستری (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۲ / ۹۱۸) یا محلی برای ملاقات بود (Jones, 1833: 106). این بنا در شمال میدان توپخانه قرار داشت و از سه بخش عمارت سردر با معماری بسیار ساده و در تعامل با میدان توپخانه، میان‌سرا با حوضی در میان، فواره و دو ردیف باغچه در اطرافش و دالان‌های پر پیچ و خم که عمارت سردر را به بنای اصلی متصل می‌کرد و سه فواره در مقابل بنای اصلی که در منتهی‌الیه شمالی آن با ایوانی زیبا ساخته شده بود و ده تابلوی نقاشی انسان در تالار اصلی دیوان‌خانه نصب شده بود (نیبور، ۱۳۵۴: ۶۵) و یکی از آن‌ها نقاشی کریم‌خان زند و ابوالفتح‌خان بود و نقاشی‌های آب طلا، دیوار تالار این بنای باشکوه را زینت داده بود (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۱۹). عمارت سردر دیوان‌خانه یعنی همان بنایی که امروزه در یافته‌های باستان‌شناسی بخشی از پی و پایه ستون‌های بنای آن را یافته‌اند و اطراف آن حصار کشیده شده، ساختمانی بسیار ساده شبیه به خانه یک خانواده عامی بود (نیبور، ۱۳۵۴: ۶۵ و ۶۸). دیوان‌خانه در دوره زندیه در واقع ساختمان امور اداری- سیاسی شهر بود و کریم‌خان زند و پادشاهان پس از او در این بنا، سفر را به حضور می‌پذیرفتند (جونز، ۱۳۳۶: ۱۵ و ۱۸-۱۹). در مهمانی‌های رسمی هم‌چون دعوت سفر به دیوان‌خانه در دوره قاجار، پس از نواختن نقاره در حالی که افسران مسلح عالی رتبه در کنار دیوارهای میان‌سرا ایستاده بودند و در دو طرف حوض میان محوطه، همه افسران عالی رتبه، بزرگان و دولت‌مردان قرار می‌گرفتند، سفیر به ایوان یا تالار بنای اصلی وارد می‌شد (Morier, 1816: 115-116).

۱ مقصود خلوت‌سرا است.

۲ باز هم از این نوشته استنتاج می‌شود که ارگ در زمان شعاع السلطنه نیز حرم‌سرا و اندرون حاکم بوده است و در همان کتاب عنوان شده که جلال الدوله در خلوت ارگ منزل دارد (سیرجانی، ۱۳۸۳: ۱۳۶).

۳ Albert Kahn

۴ زمین محل برج جنوب شرقی ارگ بر اساس وجود چاهی که آب حمام را تأمین می‌کرد و نیز وجود حمام در میان آن به استناد تصاویر موجود، از اواسط دوره قاجار شروع به نشست کرد. در بالای بام نیز حوضی قرار داشت که آب این چاه در آن جمع می‌شد و از فواره‌ها فوران می‌کرد (بهریزی، ۱۳۵۴: ۱۴۳).

پس از زندیان و در دوره قاجار نیز این ساختمان محل امور مملکتی بود تا آن که در دوره ناصری تبدیل به ساختمان تلگراف‌خانه هند و اروپا و ایران شد (کرزن، ۱۳۷۳: ۱۲/۲). تلگراف‌خانه دارای مناصبی مانند غلام، حکیم، رییس، سرتیپ، سرهنگ، منشی و تلگرافچی بود (سیرجانی، ۱۳۸۳: ۵۳-۶۹۲). والتر هینتز که در سال ۱۹۳۷ میلادی به شیراز سفر کرد و این بنا را زیباترین اداره پست جهان می‌دانست (رجبی، ۱۳۸۹: ۱۳۱ و ۱۳۲). منازل شخصی کارکنان تلگراف‌خانه در خارج از شهر (خیابان زند کنونی) قرار داشت (Windt, 1891: 179).



شکل ۱- تصویر برگه اعتبار تلگرافی مربوط به سال ۱۳۲۸ ه.ش که به منظور استفاده از تلگراف تهیه می‌شد (مرکز اسناد ملی، ۱۹۶۷۸/۲۵۰: ۱۹).

تلگراف‌خانه در دوره قاجار، گاهی محل تجمع مردم معترض نیز بود که قصد داشتند توسط تلگراف با پای‌تخت ارتباط برقرار کنند، به طور مثال در سال ۱۳۱۷ ه.ق ۵۰۰۰ کسبه در اعتراض به تخفیف مالیاتی که برخلاف سال گذشته شامل حالشان نشده بود در تلگراف‌خانه بست آمدند و قصد داشتند در صورت عدم همکاری مسئولان وقت، دکان‌ها را ببندند و داد و ستد را متوقف کنند (سیرجانی، ۱۳۸۳: ۵۹۰). عمارت سردر در دوره پهلوی برای ساخت ساختمان اداره پست جدید تخریب شد (پهروزی، ۱۳۵۴: ۱۴۵). ساختمان اداره پست نیز در دهه ۷۰ شمسی تخریب شد و در غرب میان‌سرا نیز ساختمان مخابرات ساخته شد (امداد، ۱۳۳۹: ۲۰۳) که امروزه باقی است. این بنا در حال مرمت است و به زودی به روی عموم باز خواهد شد.

## ۵- مجموعه باغ و کیلی

### ۵-۱- باغ نظر یا باغ ایالتی یا موزه پارس

باغ نظر که در منابع با نام‌های مختلفی چون باغ وکیلی (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۱/۶۵۴)، باغ حکومت، باغ شهر (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۲/۸۳۰)، باغ شاه‌زاده (آریان پور، ۱۳۶۵: ۲۹۷)، باغ ارگ (سیرجانی، ۱۳۸۳: ۱۶۰)، باغ مقبره (مقبره کریم‌خان زند)، باغ ایالتی (استخر، ۱۴۰۰: ۱۵۲) و باغ موزه (موزه پارس) نیز عنوان شده است، در واقع در محل باغ کاخ امام‌قلی خان یادگار صفویان در شمال میدان شاه قرار داشت (بنیادی، ۱۳۷۶: ۶۲). این باغ در حد واصل دو محله درب شازده و میدان شاه قرار دارد (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۲/۸۳۱) و از دید کلی از جنوب به اندرون، از غرب به میدان طویله، از شمال به میدان توپ‌خانه و از شرق به میدان جلوخان و کیل محدود بود. ساخت باغ نظر در زمان سفر نیبور به شیراز در سال ۱۱۷۹ ه.ق و پیش از ساخت ارگ به اتمام رسیده بود (نیبور، ۱۳۵۴: ۶۸). سرهارفورد جونز که در زمان سلطنت لطف‌علی‌خان زند آخرین پادشاه زندیان به شیراز سفر کرد عنوان می‌کند که می‌توانست آزادانه به باغ کلاه فرنگی وارد شود (جونز، ۱۳۴۶: ۲۶) و در ابتدای دوره قاجار نیز محل پذیرایی از سفرا و مهمانان خارجی نیز بود، چنان‌چه جیمز موریه سفیر بریتانیایی در آن حاکم را ملاقات کرد (Morier, 1816: 124).

طبق نسخه ای خطی، این باغ در مدت شش ماه از آجر خوش تراش ساخته شد و دو ورودی در شمال و جنوب خود داشت که هر دو دارای عمارت سردر، ایوان و ستون‌های سنگی ده ذری بودند (افسر، ۱۳۵۳: ۱۸۵). کارستن نیبور، باغ نظر، عمارت کلاه فرنگی، دو عمارت سردر آن و اندرونی را پیش از استقرار کامل کریم‌خان زند و پیش از ساخته شدن ارگ توصیف کرده است؛ وی از دو عمارت سردر که در دو سوی شمال و جنوب عمارت کلاه فرنگی قرار داشتند با عنوان دو ساختمان کناره بلند یاد کرده است که دو طبقه بودند و هر دو در اشکوب دوم خود رو به سوی داخل باغ، دارای تراس بودند (نیبور، ۱۳۵۴: ۶۹). سردر جنوبی طبق نوشته محمد علی میرزای منشی در سال ۱۳۰۹ ه.ق توسط حکام قاجار مسدود شده بود (منشی، ۱۳۸۹: ۵۷) و مؤلف آثار عجم، پس از حکمرانی حسین علی میرزا فرمان‌فرما، تعداد ورودی‌های باغ را سه عدد عنوان کرده است؛ یکی در محل سردر اصلی که مقابل کلاه فرنگی قرار داشت و بر بالای آن عمارت سردری بنا شده بود و در دوره قاجار به عنوان حیاط خانه حکومتی استفاده می‌شد و میرزا علی خیاط باشی آنجا کارخانه داشت (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۲/۸۳۱) و پس از آن در همان دوره قاجار این عمارت به عنوان کتاب‌خانه معارف استفاده می‌شد (رنجبر و صفی پور، ۱۳۸۹: ۲۱)، دیگری ورودی شمال غربی در پشت عمارت خورشید که به میدان طویله راه می‌یافت و سومی در جنوب غربی باغ (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۲/۸۳۱).

در میان این باغ، عمارتی هشت‌گوش با نام حوض‌خانه یا عمارت کلاه فرنگی به دستور کریم‌خان زند بنا شد (نواب شیرازی، ۱۳۷۱: ۸۰) و در اطراف این عمارت، چهار حوض طویل قرار داشتند که دو حوض شمالی و جنوبی دارای طول بیشتری از دو حوض دیگر بودند. سنگ‌های بزرگ ستون‌های باغ، لبه حوض‌ها و نماهای بنای باغ همه از کوه‌های شمال غربی موسوم به رخنه کریم‌خانی آورده شد (سامی، ۱۳۳۷: ۳۵). ورودی فرعی شمال غرب باغ نظر از زمان سلطنت کریم‌خان زند ساخته شده بود، میان جنوب ارگ تا باغ نظر نیز فاصله اندکی وجود داشت که به آن حیاط خلوت می‌گفتند (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۲/۸۳۱)، شاه پس از خروج از ارگ، از این حیاط خلوت می‌گذشت و از طریق ورودی شمال غربی خود را به درون باغ نظر می‌رساند (ساسانی، ۱۳۴۱: ۱۳۴۱).

۱ مقصود از شاه‌زاده، حسین علی میرزا فرمان‌فرما پسر فتح‌علی شاه و حاکم فارس است.

۱۵) و این گونه بدون حضور در انتظار می‌توانست به باغ نظر برسد<sup>۱</sup> و احتمالاً از همین سوی باغ به سمت جنوب به سردر جنوب غربی باغ و سپس به اندرونی می‌رسید. در دوره قاجار در زمان حکمرانی حسین‌علی میرزا فرمان‌فرما، کاخی با نام کاخ آینه در جانب شمال غربی این باغ احداث شد و پس از ساخت عمارت آینه که به عمارت حکومتی شهرت داشت با نام باغ حکومتی و باغ شاهزاده خوانده شد (سیرجانی، ۱۳۸۳: ۱۴۳).

این باغ در دوره ناصری و احتمالاً پس از تغییر کاربری ساختمان دیوان‌خانه به تلگراف‌خانه، به عنوان دیوان‌خانه ایالت انتخاب شد و به نوعی کاربری حکومتی - نظامی پیدا کرد، محمدعلی میرزای منشی در سال ۱۳۰۹ ه.ق از آن نام آورده است (منشی، ۱۳۸۹: ۵۷) و در کتاب وقایع اتفاقیه ذیل رویدادهای سال‌های ۱۲۹۸ ه.ق و ۱۳۲۱ ه.ق عنوان کرده است که «ایالت، دیوانخانه در باغ حکومت معین کرده‌اند؛ که به هر کاری که خودشان رجوع می‌کنند رسیدگی نمایند، اهالی آن مجلس شامل یک نفر شاهزاده شیرازی، یک نفر از اعضای خود ایالت، یک نفر مستوفی و یک نفر محرر از محکمه است. این‌ها همه روزه سوای روز جمعه از صبح الی بعدازظهر می‌نشینند و ایالت، اغلب کارها را به دیوان‌خانه رجوع می‌کنند» (سیرجانی، ۱۳۸۳: ۱۳۶ و ۱۳۷). از این تاریخ، باغ نظر را باغ ایالتی نیز می‌نامیدند (استخر، ۱۴۰۰: ۱۵۲). در اواخر عصر قاجار، نظمی‌های مقابل عمارت کلاه فرنگی احداث گردید (نیر شیرازی، ۱۳۸۳: ۱/۱۹۹) و چند اتاق اداره عدلیه در گوشه باغ قرار داشت (استخر، ۱۴۰۰: ۳۶).

با ساخت خیابان طالقانی در دوره پهلوی اول، بخش شرقی باغ نظر که تا پیش از آن تا غرب جلوخان و کیل امتداد داشت از باغ جدا شد و در محل آن در عصر پهلوی، پاساژ پارس توسط رستم رشیدی بنا شد و بخش شمال آن نیز تخریب شد. سنگ‌های حوض طویل شمال عمارت کلاه فرنگی برای ساخت چهار حوض آرامگاه حافظیه استفاده شدند (کریمی، ۱۳۲۷: ۱۹). در سال ۱۳۱۴ ه.ش این باغ توسط وزارت فرهنگ وقت به موزه پارس تبدیل شد (کریمی، ۱۳۲۷: ۴۲).

## ۵-۲- عمارت کلاه فرنگی یا آرامگاه وکیل یا دیوان‌خانه ایالت

این عمارت به عنوان بخش سیاسی تأسیسات کریم‌خانی (کمالی سروستانی، ۱۳۸۴: ۵۰)، در مدت سه ماه با ازاره‌هایی که سنگ آن از تبریز وارد شد بنا شد (افسر، ۱۳۵۳: ۱۸۷). این بنا دارای ۸ اسپره کاشی‌کاری در پایین، ۸ اسپره در بالا و ۸ لچکی بین دو اسپره است (سامی، ۱۳۲۷: ۶۸). چندین قطعه کوچک کاشی‌کاری عصر زندیه بر بخش‌هایی از این بنا بر جای مانده است که در دوره معاصر مرمت شده‌اند (کریمی، ۱۳۲۷: ۴۱). منبع آبی در پشت عمارت کتابخانه دستیاب امروزی بود که آب را از چاه به نقطه مرتفعی به فواره‌ها می‌رساند و هر فواره پنج متر فوران می‌کرد (سامی، ۱۳۲۷: ۶۷).

عمارت کلاه فرنگی جهت تفریح، پذیرایی‌ها، اعیاد و نیز سلام‌های رسمی بنا شد و کریم‌خان وصیت کرد که او را در این بنا به خاک سپارند (کریمی، ۱۳۲۷: ۴۰) و از این رو به باغ مقبره نیز شهرت داشت (کمالی سروستانی، ۱۳۸۴: ۸۹). کریم‌خان زند در حین حیات، قبرش را خود در این عمارت ساخته بود (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۱/۶۱۹) و پس از مرگ، پس از آنکه سه روز، جسد وی در ارگ بر زمین مانده بود غسل داده شد و در این عمارت به خاک سپرده شد (کاشانی، ۱۲۱۰، ۱۴۱).

آغا محمد خان قاجار پس از استیلا بر شیراز در سال ۱۲۰۶ ه.ق ابتدا در همین عمارت جلوس و سلام رسمی برگزار کرد و سپس در همین سال دستور داد تا میرزا محمد خان لاریجانی نبش قبر کند و استخوان‌های کریم‌خان را از روی کینه در زیر پله‌های خلوت کریم‌خانی کاخ گلستان در تهران دفن کنند (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۱/۶۵۴) تا بر مزار وی پای نهد و نزدیک به ۱۴۰ سال در آن جا بود. در سال ۱۳۱۵ ه.ش در جریان مرمت عمارت، بخشی از استخوان‌ها در محل سنگ مزار کنونی در شاه نشین شرقی پیدا شد که تا پیش از آن از محل دقیق به خاک سپردن وی اطلاعی در دست نبود (سامی، ۱۳۳۷: ۶۶). ممکن است سه شاه‌نشین دیگر این عمارت، مزار محارم و شاهزادگان زندی باشد (سامی، ۱۳۳۷: ۶۶).

از جمله روی‌دادهای تاریخی کلاه فرنگی در سال ۱۳۰۶ ه.ق در سلام سال نو، احتشام الدوله در کاخ سلام نشست بود و علما نزد او بودند و شاهزادگان در منزل امیرزاده و سایر بزرگان مانند قوام‌الملک و مستوفیان در کلاه فرنگی نشست بودند، بعد از تحویل به همه شاهی و اشرفی دادند و مهربانی کردند (سیرجانی، ۱۳۸۳: ۳۳۲). امور حکومتی و دیوانی در دوره قاجار در عمارت کلاه فرنگی صورت می‌گرفت و مجالس رسمی هم‌چون پوشیدن خلعت مقامات در آن برگزار می‌شد (همان: ۱۳۶-۱۶۰ و ۱۶۱-۳۱۰). در اواخر عصر قاجار، باغ نظر به مکانی نظامی تبدیل شد و عمارت کلاه فرنگی نیز به عنوان مقر ارتش استفاده می‌شد (Moore, 1915: 383). این بنا در دوره معاصر در سال ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ ه.ش مرمت (سامی، ۱۳۳۷: ۶۸) و در سال ۱۳۱۶ ه.ش تبدیل به موزه پارس شد که اشیاء گران‌بهای از پیش از اسلام تا دوره معاصر در آن نگهداری می‌شود (کمالی سروستانی، ۱۳۸۴: ۳۸۱).

## ۵-۳- مجموعه اندرونی

اندرونی که عبارت بود از چندین عمارت در کنار هم محل زندگی فرزندان کریم‌خان زند بود و ارگ محل زندگی پادشاه و حرم او بود (رستم الحکما، ۱۳۴۸: ۴۱۲). این مجموعه در محل کاخ امام‌قلی خان صفوی بنا شد (بنیادی، ۱۳۷۶: ۶۲). خانه زکی‌خان زند و محمد رحیم‌خان زند در نزدیکی اندرون کوچک قرار داشت (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۱/۶۱۸) و اندرون کوچک معروف به خانه ابوالفتح خان پسر کریم‌خان زند بود (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۱/۷۶۵). ابوالفتح خان به دلیل می‌گساری، به دستور

۱ در دوره پهلوی اول طبق نقشه سال ۱۳۲۶ ه.ش در شرق و جنوب ارگ، بناهای دژبانی، کلاتری و فرمانداری نظامی ساخته شدند.

کریم‌خان زند مدتی در خلوت‌سرای<sup>۱</sup> تحت مراقب بود (نامی اصفهانی، ۱۳۶۳: ۲۳۳). در نقشه سال ۱۳۲۶ ه.ش هنوز نام کوچه پشت اندرون در جنوب اندرون به چشم می‌خورد. اندرونی‌ها در دوره قاجار توسط شاه‌زادگان قاجار و عمال حکومتی اشغال شد(افسر، ۱۳۵۳: ۲۷۸). در عصر پهلوی، کلیه مجموعه اندرونی تخریب و بناهایی چون اداره دارایی، کتابخانه ملی (شهید دست‌غیب)، کودکانستان زند، دبیرستان ناظمیه و هنرستان نمازی در محل آن احداث شد.

## ۶- مجموعه میادین کریم‌خانی

در دوره زندیه در میان تأسیسات کریم‌خانی، مجموعه‌ای از میادین احداث شد که در واقع فضایی باز بود که دور تا دور آن‌ها حجراتی مخصوص اسکان سربازان احداث شده بود (نیبور، ۱۳۵۴: ۶۹). مؤلف کتاب رستم التواریخ، میادین کریم‌خانی را فضاهایی باز وسیعی می‌داند که دور تا دور آن را حجرات فرا گرفته است و تعداد آنها را سه میدان مربع وسیع پر حجرات متصل به هم و یک میدان مربع طولانی از چهار طرف حجره عنوان کرده است (رستم الحکما، ۱۳۴۸: ۴۱۳). در دوره زندیه به جز میدان توپ‌خانه در کتاب سفرنامه ویلیام فرانکلین به نام بقیه آن‌ها اشاره نشده و در منابع دوره بعد یعنی قاجار نام آنها عنوان شده است.

### ۶-۱- میدان طویل یا میدان مشق

دور تا دور این میدان حجرات دو طبقه که اشکوب نخست به عنوان طویل و محل نگهداری اسب‌های نیروی ارتش و اشکوب دوم مخصوص اسکان سربازها ساخته شده بود و سربازان در میدان آن به سان و تمرینات نظامی می‌پرداختند و اعمالی چون مجازات‌ها نیز در محوطه آن انجام می‌شد (شرفه، ۱۳۹۶: ۶۱). این میدان دارای مناره‌ای بود که در رویدادی در سال ۱۲۹۴ ه.ق جنازه‌ها را به جهت عبرت از آن آویخته بودند و دارای عمارت سردری بود که قوام الملک بنا به خواست صاحب‌دیوان در دوره قاجار به جهت امر و نهی ولایتی در آن می‌نشست (سیرجانی، ۱۳۸۳: ۷۳ و ۷۹ و ۱۲۳ و ۱۶۰). این میدان در برخی اسناد قاجاری با نام میدان مشق نیز ذکر شده است و از جنگ جهانی اول به بعد، رو به خرابی نهاد تا آن‌جا که در نقشه سال ۱۳۰۲ ه.ش از شیراز، اثری از این میدان نیست و به خیابان تبدیل شده بود. در دوره پهلوی ساختمان دادگستری در محل بخشی از این میدان ساخته شد.

### ۶-۲- میدان توپ‌خانه یا میدان ارگ

میدان توپ‌خانه از جمله سازه‌های کریم‌خانی است که با کارکردی نظامی احداث شد (بنیادی و توسلی، ۱۳۷۱: ۶۳). این میدان می‌توانست مانعی میان بخش حکومتی شهر یعنی ارگ، دیوان‌خانه و باغ سلطنتی با بخش عمومی شهر همچون بازار ایجاد کند و یا در عین حال رابطی با امنیت بالا میان آن‌ها باشد. این میدان از ابتدا توپ‌خانه نام‌گذاری شد؛ ویلیام فرانکلین به نام آن میدان در دوره زندیه اشاره کرده است، وجه تسمیه آن، قرار گرفتن چند ارابه توپ در میان این میدان بود که به نوعی به کارکرد نظامی این میدان نیز اشاره می‌کند (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۱۹). دور تا دور این میدان با توپ‌های دولتی، حجراتی برای استراحت توپ‌چیان و افسران توپ‌خانه در نظر گرفته شد (رستم الحکما، ۱۳۴۸: ۴۱۳) (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۱/۷۶۸).

از توصیفات سفرنامه نویسان عصر زندیه این‌طور برمیآید که در سال ۱۱۸۰ ه.ق، میدان مقابل دیوان‌خانه<sup>۲</sup>، میدانی وسیع بود که در آن گندم و جو کاشته بودند و در اطراف آن رواق‌هایی برای اقامت سربازانی قرار داشت که در مدت اقامت کریم‌خان در شیراز و پیش از استقرار رسمی او در سال ۱۱۸۰ ه.ق به عنوان سربازخانه در آن ساکن می‌شدند، کارستن نیبور این میدان را با عنوان محوطه چهار گوش بزرگ با دیوار خوب و واقع در یک طرف عمارت سردر باغ نظر معرفی کرده است (نیبور، ۱۳۵۴: ۶۵ و ۶۹). ویلیام فرانکلین در سال ۱۲۰۱ ه.ق و چند سال پس از فوت کریم‌خان زند به شیراز سفر کرد، در سفرنامه خود محدوده میدان را از یک سو دیوان‌خانه و از سوی دیگر خیابان منتهی به مسجد وکیل می‌داند؛ بناهای حکومتی در غرب، دیوان‌خانه در شمال، بازار در شرق و باغ در جنوب آن قرار داشت و به بخشی از آن میدان توپ‌خانه گفته می‌شد<sup>۳</sup> (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۱۸ و ۱۹). در نسخه خطی نقل شده در کتاب بافت قدیم شیراز هم از ساخت بناهای کریم‌خانی از میدانی وسیع و نقاره‌خانه‌ای رفیع سخن به میان آمده که آن را واسطه بازار و عمارات حکومتی عنوان کرده است (افسر، ۱۳۵۳: ۱۸۶).

از همواره عمومی بودن یا نبودن میدان توپ‌خانه در دوره زندیه اطلاعاتی در دسترس نیست اما در عصر قاجار، ارتباط با میدان توپ‌خانه از طریق درهایی صورت می‌گرفت که عبور و مرور به آن همراه با کنترل بود و یا در مواقع لزوم هم‌چون زمان مجازات مجرمان در میدان (شرفه، ۱۳۹۶: ۶۱) یا جشن‌های سلطنتی، ملی و مذهبی مانند عید قربان به روی مردم گشوده می‌شد و در سایر مواقع، کاربرد نظامی و حکومتی داشت، جان آشر سفرنامه نویس عصر قاجار عنوان می‌کند که این میدان، محل تمرین سربازان، مجازات مجرمین و محلی برای تبادلات تجاری<sup>۴</sup> است (Ussher. 1865: 520) که تنها منبع مکتوبی است که به استفاده عموم

۱ مقصود از اندرون در منابع، ارگ کریم‌خانی و مقصود از اندرون کوچک و خلوت‌سرای کریم‌خانی، مجموعه ابنیه خصوصی جنوب باغ نظر بود. در کتاب شاهد شیراز که سفر خسروخان به شیراز را در سال ۱۳۲۰ ه.ق شرح داده است، از اسکان طولانی مدت وی در یکی از خلوت‌های کریم‌خانی سخن به میان آورده (ساسانی، ۱۳۴۱: ۹). در دوره حاکمیت حسین‌علی میرزا فرمانفرما، خلوت‌سرای متصل به باغ نظر ساخته شد (نواب شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۶۵) که احتمالاً بازسازی یکی از همان ابنیه خلوت‌سرای کریم‌خانی بوده است.

۲ در زمان سفر وی به شیراز هنوز ساختمان ارگ ساخته نشده بود.

۳ بخش دیگرش میدان نعل بندان نام داشت.

از این میدان اشاره کرده است و چند عکس از انتهای عصر قاجار که حضور مردان، زنان و کودکان اندکی را در میدان نشان می‌دهد، بنابراین کاربری دقیق میدان را باید در بازه های زمانی معین و کوتاه مورد بررسی قرار داد. مراسم عید قربان در میدان توپخانه در دوره زندیه این گونه برگزار می‌شد که مردم پس از اتمام مراسم قربانی در قربانگاه<sup>۱</sup>، به میدان جلوی قصر سلطنتی می‌رفتند و در وسط این میدان، سکویی برپا می‌شد و روی آن به بند بازی، آواز خوانی و قوچ بازی می‌پرداختند، اشعار مرتبط خوانده می‌شد و تا آخر شب ادامه داشت (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۴۳). در زمان برگزاری جشن‌های عمومی هم میدان چراغانی و در آن مراسم، آتش‌بازی برپا می‌شد و بزرگان از عمارت سردر توپخانه نظاره گر مراسم بودند و در اغلب اوقات محل تمرین نظامی سربازان بود (سیرجانی، ۱۳۸۳: ۶۴ و ۱۹۹ و ۳۴۵). در دوره زندیه و قاجار، هر روز و نیز در زمان برگزاری ملاقات های رسمی، دسته‌ای نوازنده با نقاره، طبل، دهل و شیپور بر روی سکویی در میان میدان و در مقابل ارگ، موزیک نظامی می‌نواختند و بر شکوه این میزبانی می‌افزودند (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۱۸) (رنجبران و گلشنی، ۱۳۹۴: ۳۰۶).

میدان توپخانه کارکردهایی چون حفاظت از مهمترین بناهای حکومتی شهر، مجازات مجرمین، اعلان اعیاد و رویدادهای با اهمیت با شلیک توپ داشت. میدان توپخانه به عنوان رابطی میان فضای عمومی با حکومتی بود که مردم می‌توانستند با پادشاه، حکام و بزرگان در ارتباط باشند؛ بست نشستن به معنای پناه بردن به مکان یا بنایی است که در آن در امان باشند تا به مراد خود برسند یا اعتراض خود را نشان دهند. یکی از اماکنی که مردم در جریان مشکلات خود مانند گرانی نان به آن پناه می‌بردند، میدان توپخانه بود که به آن بست توپخانه گویند (امداد، ۱۳۸۷: ۲۵۷). این میدان بستر رویدادهای مهم تاریخی گوناگونی بود که نمی‌توان از آن‌ها چشم پوشید؛ مانند حادثه قتل آقا محمد خان کاشی وزیر فارس اواخر سال ۱۳۳۳ ه.ق که زمانی که برای سلام حسین علی میرزا وارد میدان ارگ شد یک غلام دیوانی که دستمزدش را نداده بود با خنجر بی سینه او ضربه زد و در دم جان داد (امداد، ۱۳۸۷: ۱۰۱). اطراف این میدان چندین عمارت سردر وجود داشت. از جمله آن‌ها می‌توان به عمارت سردر دیوانخانه، نقاره‌خانه به عنوان عمارت سردر میان میدان توپخانه و نقاره‌خانه، عمارت سردر باغ نظر و عمارت سردر دو سویه میان ارگ و میدان توپخانه نام برد و دیگری ورودی سربازخانه در شمال غربی واقع شده بود. گاهی اوقات عمارت سردر توپخانه ارتباطی میان مردم که درب میدان نقاره خانه جمع می‌شدند و صاحب منصبی که در عمارت سردر میدان توپخانه می‌نشست برقرار می‌کرد؛ در سال ۱۳۰۲ ه.ق مردم در اعتراض به قحطی نان در میدان نقاره‌خانه جمع شدند و مؤتمن الدوله صاحب‌دیوان<sup>۲</sup> در عمارت سردر توپخانه<sup>۳</sup> نظاره‌گر اعتراضشان بود که البته با مجازات معترضین خاتمه یافت (سیرجانی، ۱۳۸۳: ۲۴۳).

برای رسیدن به میدان توپخانه قاجاری که همراه با بناهای حکومتی اطرافش، بهترین نقطه شهر نیز به حساب می‌آمد، سر هارفورد جونز در سال ۱۸۰۸ میلادی عنوان می‌کند از بازار وکیل جنوبی، می‌بایست ابتدا وارد میدان جلوخان مسجد وکیل شد، سپس میدان نقاره خانه و سپس از طریق ورودی دیگری از این میدان وارد میدان توپخانه شد که ورودی عمارت حکومتی به این میدان راه می‌یافت (امیری، ۱۳۶۹: ۱۹۰ و ۲۲۴) و برای رسیدن به آن از سوی دروازه اصفهان، دو مسیر وجود داشت، یکی که جیمز موریه سفیر و نویسنده بریتانیایی عصر قاجار در سال ۱۲۲۳ ه.ق، توصیف کرده است که از داخل بازار وکیل به ورودی میان میدان عرض نقاره‌خانه رسید که دیوارهایش با طاق پوشیده بود و پس از آن به میدان توپخانه که در آن زمان سربازان با تفنگ‌های برنجی و لباس های قرمز، سوار بر شتر در حال رژه بودند (Morier, 1816: 115). مادام دیالوفوا<sup>۴</sup> نیز توصیف میکند که پس از عبور از دروازه اصفهان وارد کوچه تنگی می‌شود که به سختی از آن عبور می‌کند و او را به میدانی وسیع می‌رساند که تلگرافخانه در یک سوی آن قرار داشت (دیالوفوا، ۱۳۷۱: ۴۳۹) که مقصود او از کوچه تنگ، همان کوچه واقع در غرب بازار وکیل شمالی است که به شمال میدان نقاره خانه راه می‌یافت.

در دوره قاجار، میان ارگ و مسجد وکیل ارتباط مستقیم وجود نداشت و برای گذر از مسجد وکیل به سوی ارگ باید از سه میدان جلوخان، نقاره‌خانه و توپخانه گذر کرد (امیری، ۱۳۶۹: ۲۲۴) که هر یک درب داشتند و در مواقع لزوم و شب هنگام بسته می‌شدند (سیرجانی، ۱۳۸۳: ۳۴۰). در زمان حکمرانی حسین علی میرزا فرمان‌فرما، افسران و سربازان روسی در میدان توپخانه مسئولیت داشتند و ردیفی از توپ‌ها قرار داده شده بودند که تحت کنترل آنها بود (افسر، ۱۳۵۳: ۲۲۸). در سال ۱۳۱۶ ه.ق در زمان حکمرانی عبدالحسین میرزا فرمان‌فرما، علاوه بر ساخت قراول‌خانه<sup>۵</sup> برای عمارت دیوانی، برای میدان‌های دور ارگ و به منظور نگهداری کامل از آنها با آنکه در گذشته نیز در داشت، این‌بار برای همه ورودی‌ها در مستحکم ساخته شد و یک ساعت از شب گذشته قفل می‌شدند تا کسی عبور نکند و ۵۰ نفر مسلح از اول شب تا صبح دور ارگ مشغول نگهداری بودند (سیرجانی، ۱۳۸۳: ۳۴۰ و ۵۵۵). اما در زمان حاکمیت شعاع السلطنه و با ساخت مدرسه شعاعیه در محل قورخانه در سال ۱۳۱۸ ه.ق که دری به میدان توپخانه داشت و پس از آن آتش گرفتن قورخانه در سال ۱۳۳۱ ه.ق (امداد، ۱۳۸۷: ۵۶۸)، فضای نظامی این میدان کم‌رنگ شد. در سال ۱۳۲۱ ه.ق، علاء الدوله حکمران فارس دستور داد تا سکویی برای توپ‌ها همچون توپخانه تهران احداث کردند و تمام اطراف میدان را چراغ نصب کردند و در طول شب روشن می‌گذاشتند (سیرجانی، ۱۳۸۳: ۷۰۲).

۱ بنایی چهارطاقی مانند در صحرای مصلی واقع در جنوب غربی باغ (نو هتل پارک سعدی) که قربانی کردن حیوان در عید قربان در آن انجام می‌شد. ساختمان مصلی نیز پیشتر در همین مکان قرار داشت که ویرانه های آن توسط جوزف آرکی در سال ۱۸۱۰ م به تصویر کشیده شده است.

۲ نوه علی اکبر خان قوام الملک

۳ مقصود همان نقاره خانه است.

۴ برج دیده بانی

لرد کرزن، سیاست‌مدار و از بزرگان بریتانیا که در دوره ناصری به شیراز سفر کرد، از میدان توپخانه با عنوان میدان اصلی شهر نامبرده است که متروک و مخروبه بود و چند عدد توپ در آنجا قرار داشت و در شمال آن تلگرافخانه واقع بود (کرزن، ۱۳۷۳: ۱۲/۱۲). هرمان نوردن جهانگرد آمریکایی در دوره پهلوی به شیراز سفر کرد و از تماشای اعدادم در میدان توپخانه با چوبه دار سخن به میان آورده است (نوردن، ۱۳۵۶: ۸۲). اما در دوره پهلوی اول و پس از تخریب دیوارهای اطراف میدان توپخانه، امتداد دو خیابان از این میدان و نیز ساخت بناهای جدید چون بانک ملی، شهربانی، بانک سپه، بانک بازرگانی و قسمتی از مدرسه شاهپور، این میدان کارکرد اصلی خود را از دست داد و امروزه بخش کوچکی از آن در مقابل ارگ تبدیل به فضای مکت شده است.

### ۳-۶- میدان نعل‌بندان و میدان نقاره‌خانه

نقاره‌خانه یا نوبت‌خانه، بنایی رفیع و باریک بود که بر بالای آن با نواختن موزیک نظامی توسط نقاره، طبل، دهل و نی لیک، پیام‌های عمومی و مرتبط با همه مردم شهر اعلام می‌شد (نیبور، ۱۳۵۴: ۶۹ و ۷۰)، در عصر زندیه، در واسطه بازار و بناهای حکومتی، میدانی وسیع و نقاره‌خانه‌ای رفیع بنا شد (افسر، ۱۳۵۳: ۱۸۶). از مقایسه توصیفات سفرنامه‌نویسان عصر زند با قاجاری این‌طور استنباط می‌شود که نقاره‌خانه زندی با قاجاریه متفاوت بود (نقاره‌خانه زندی بنایی رفیع و باریک و نقاره‌خانه قاجاری در واقع عمارت سردر بود). کارستن نیبور زمانی که از باغ نظر دیدن می‌کرد، عنوان کرده است که در آن سوی حیاط ساختمان بلند و باریکی قرار دارد (نیبور، ۱۳۵۴: ۶۹). بر اساس وجود این بنا، فضای شرق آن، میدان نقاره‌خانه نامیده می‌شد.

نقاره‌خانه در رویدادهای طبیعی مانند طلوع و غروب آفتاب (رجبی، ۱۳۸۹: ۱۳۱) و رویدادهای مهم و عمومی سیاسی و اجتماعی مانند اعلام شادی و شفا گرفتن اشخاص نواخته می‌شد (سیرجانی، ۱۳۸۳: ۱۲۳ و ۳۶۵ و ۴۱۲). علاوه بر ساختمان نقاره‌خانه، سکویی نیز در میان میدان توپخانه در مقابل ارگ قرار داشت که بر بالای آن نقاره، طبل و شیپور توسط نوازندگان، مختص بناهای حکومتی و مراسمی که در میدان برگزار می‌شد نواخته می‌شد (Jones, 1833: 106) که نخستین بار ویلیام فرانکلین در عصر زندیه از آن سخن به میان آورده است (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۱۸).



شکل ۳- تصویری از نقاره‌خانه در سال ۱۳۲۱ ه.ق در محل فعلی بانک ملی (صانع، ۱۳۹۰: ۱۱۴)



شکل ۲- نقاره‌خانه در پایین تصویر و فضای شرقی آن موسوم به میدان نقاره‌خانه قابل مشاهده است. خط افقی، مسیر امتداد خیابان زند را نشان می‌دهد. (فیلم هوایی شرکت شرق شناسی دانشگاه شیکاگو، ۱۳۱۲).

میدان نقاره‌خانه در شرق میدان توپخانه قرار داشت (امداد، ۱۳۳۹: ۲۰۹)، اطراف آن حجراتی برای اسکان نوکرها دیوانی احداث شده بود (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۱۲/۱۲۰۰) و بنابراین کاربری نظامی و سیاسی داشت. جنوب این میدان در ارتباط با شمال جلوخان مسجد وکیل بود، جنوب غرب آن توسط ورودی و عمارت سردری که نقاره‌خانه بر بالایش قرار داشت به میدان توپخانه راه می‌یافت و جبهه‌خانه و ضراب‌خانه در جنوب شرق آن واقع بود. تا دوره قاجار، آثاری از قبرستان شیخ کبیر<sup>۲</sup> شامل دو قبر از شیوخ بدل در میان میدان نقاره‌خانه وجود داشت (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۱۲/۷۷۰). در حادثه درگیری میان مردم و فریدون میرزا فرمان‌فرما بر سر عزل میرزا احمدخان در سال ۱۲۵۵ ه.ق در میدان نقاره‌خانه چند اراکه توپ گذاشتند و به سوی درب مسجد وکیل شلیک کردند (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۱/۷۷۸).

مسأله قابل بررسی دیگر در رابطه با میدان نقاره‌خانه، آن‌که بنا بر توصیفات کتب تاریخی، محل میدان نقاره‌خانه با نام میدان نعل‌بندان نیز ذکر شده است؛ در فارس‌نامه ناصری ذیل تخریب صحن و آرامگاه شیخ کبیر و قبرستان آن چنین آمده است که: «کریم خان زند، صحن خانقاه و رباط و قبرستان حوالی آن را مسطح نموده، میدانی وسیع گشته و در جوانب این میدان چندین حجره برای مسکن نوکر دیوانی بساخت و بر قبر شیخ کبیر، حجره مختصری بنا نمود و این حجره در کناره صوبی<sup>۳</sup> این میدان است و اکنون این میدان را میدان نعل‌بندان گویند، متصل به بازار وکیلی است (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۱۲/۱۲۰۰)». در کتاب آثار عجم، نقاره‌خانه را این چنین توصیف کرده که بالای سردری واقع شده که یک طرف آن میدانی است که در آن اتاق‌هاست و

۱ به نقل از نسخه ای خطی.

۲ ابو عبدالله محمد بن خفیف شیرازی از شیوخ زاهد اهل تصوف و موسس فرقه خفیفیه در قرن ۳ و ۴ ه.ق بود (بهریزی، ۱۳۵۴: ۱۷۴).

۳ صوبی به معنای شمال و کناره صوبی به معنای بیرون از شمال است.



محل افواج و مکان سربازها و طرف دیگری میدانی موسوم به میدان توپخانه که در آن‌ها توپ‌های دولتی و آرامگاه توپ‌چیان است (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۷۶۸)؛ بنابراین بخشی از میدان نعل‌بندان به عنوان محل استقرار سربازان دولت به دلیل وجود نقاره‌خانه به میدان نقاره‌خانه نیز اشتها داشت و قدمت آن به عصر زندیه می‌رسید. موسیو چریکوف روسی در نقشه خود از شیراز، نام آن را میدان سرای آورده است (مه‌ریار و دیگران، ۱۳۷۸: ۲۳۰).

دیگر آن که در رابطه با شلیک توپ به در مسجد وکیل در حادثه‌ای تاریخی، میدان روبروی مسجد را یک‌بار با نام میدان نقاره‌خانه و بار دیگر با نام میدان نعل‌بندان ذکر کرده است که اربابه توپ را در این میدان قرار دادند و به سوی در مسجد وکیل شلیک شد؛ یکی در ادامه درگیری میان توپ‌چیان و زنی در میدان ارگ در سال ۱۲۵۵ ه.ق و دیگری شورش داخلی شیراز برای عزل نظام الدوله صاحب اختیار حکمران فارس در سال ۱۲۶۴ ه.ق را می‌توان عنوان کرد که سربازان فارسی در مسجد وکیل سنگر گرفتند و سربازان آذربایجانی نظام الدوله چند اربابه توپ را در میدان نعل‌بندان قرار دادند و با شلیک توپ، در مسجد وکیل تخریب شد و در این درگیری چند نفر کشته شدند و در نهایت معزالدوله به جای وی به مقام حکمرانی فارس رسید (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۱/۲ و ۷۸۹). میدان نعل‌بندان نخستین فضای بازی بود که شخص پس از ورود به داخل شهر از سوی دروازه اصفهان و طی کردن بازار توسط درب شاهی بازار (در میان راسته بازار وکیل شمالی) به آن می‌رسید که احتمالاً ورود به میدان از این ورودی نیاز به اجازه مخصوص داشت و جیمز موریه در سال ۱۸۰۸ میلادی این میدان را عریض همراه با دیوارهای پوشیده از طاق عنوان کرده است (Morire, 1816: 115).

#### ۶-۴- میدان جلوخان مسجد وکیل یا میدان وکیل

جلو خان مسجد وکیل از جنوب به سردر مسجد، از جنوب غرب به راه ارتباطی به حمام وکیل، از غرب به باغ نظر و از شرق به دو راسته از بازار وکیل محدود می‌شد<sup>۱</sup> و از سوی شمالی با میدان نقاره خانه ارتباط داشت. پیر لوتی نویسنده و جهانگرد فرانسوی عصر قاجار، این میدان را که از ازدحام و شلوغی شهر هنگام غروب به آن پناه می‌برد این‌گونه توصیف کرده است: «به محوطه ای باز و برخوردار از هوای آزاد می‌رسیم که در آن‌جا زندگی با خرمی و شادی و آزادی آمیخته است. این فضا و میدان گاه نزدیک حصار شهر<sup>۲</sup> واقع شده است و در انتهای آن مسجدی قرار دارد که ایوان بزرگش زیر پوشش مینایی رنگ قدیمی، کاملاً قرمز رنگ است. در هر طرف چادرهایی زده شده، میوه فروشان، گل فروشان و شیرینی فروشان در زیر آن‌ها جای گرفته اند. [...] قهوه‌خانه‌ای قدیمی وجود دارد که در اصل زیبا بوده ولی اینک به صورت بدی درآمده است (لوتی، ۱۳۷۱: ۹۲)».

#### ۷- سربازخانه

این محل واقع در شرق دیوان‌خانه و آب انبار میدان توپخانه و شمال شرق میدان توپخانه در نقشه موسیو چریکوف روسی با نام سربازخانه یا قشلاق عنوان شده است (مه‌ریار و دیگران، ۱۳۷۸: ۲۳۰) که در بسیاری از تصاویر موجود از شمال میدان توپخانه، بخشی از دیوار جنوبی آن به چشم می‌خورد، متأسفانه اطلاعات بیشتری از آن بنا در دست نیست.

#### ۸- اصطبل حکومتی

اسب‌های رجال و بزرگان و نیز افراد وابسته به حکومت در این اصطبل نگهداری می‌شد که در جنوب میدان طویله واقع بود. در این اصطبل به اندازه هزار آخور سنگ تراشیده از درون و بیرون همراه تالاری چهار دهانه در میان عرصه آن احداث شده بود (رستم الحکما، ۱۳۴۸: ۴۱۳). بست نشستن و پناه آوردن در اصطبل امری بود که گاه توسط مجرمین صورت می‌گرفت (سیرجانی، ۱۳۸۳: ۱۲۱ و ۱۲۵ و ۱۲۷). تنها در یکی از منابع پژوهشی نامی از شترخانه در محل هنرستان نمازی فعلی در جنوب دادگستری آمده است که صحت آن نیاز به یافتن منابع معتبر دیگری دارد (به‌روزی، ۱۳۵۴: ۱۴۰).

#### ۹- جبه‌خانه

جبه‌خانه به معنای محلی برای نگهداری ساز و برگ جنگی از جمله بناهای اثر زندیه که در شمال ضراب‌خانه واقع است و امروزه با نام تیمچه نعمان می‌شناسیم. جبه‌دار باشی از جمله مشاغل مرتبط با آن و به معنای شخصی است که همه کارگران تحت سلطه اویند و همه اسلحه‌ها به او سپرده می‌شود (Domans, 1890: 18). ویلیام فرانکلین که در دوره زندیه به شیراز سفر کرد از نمایشی سخن به میان آورده که در جبه‌خانه برپا شده بود؛ و از تالار زرادخانه و زرادها سخن به میان آورده است که این بنا در زمان جشن تزیین شده بود (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۳۸). در عصر قاجار، جبه‌خانه به خاندان جبه‌دار باشی شیرازی سپرده شد (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۲/۱۰۶۰) این بنا مدتی تحت مالکیت بانک بود و با شماره ۳۲۱۸۱ ثبت آثار ملی شده است.

۱ کاروان سرای وکیل کریم‌خان نیز در نقشه موسیو چریکوف روسی در سال ۱۲۶۶ ه.ق ذکر شده است (مه‌ریار و دیگران، ۱۳۷۸: ۲۲۹) و بنا بر نامش احتمالاً قدمت از عصر زندیه بوده است.

۲ مقصود، ارگ حسین آباد است که در عصر حاکمیت حسین‌علی میرزا فرمان‌فرما به دور تأسیسات حکومتی کشیده شد (نواب شیرازی، ۱۳۷۱: ۷۵۳).

## ۱۰- قورخانه یا انبار مهمات:

قورخانه مبارکه یا انبار باروت، محل ذخایر و تدارکات لشگری است و افرادی با مناصبی چون رییس، سر رشته‌دار قورخانه و تحویل‌دار در آن مشغول به خدمت بودند (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۸۰/۲) و در شمال میدان نقاره‌خانه قرار داشت.<sup>۱</sup> بر اساس منابع در زمان حکومت ملک منصور میرزا شعاع السلطنه در سال ۱۳۱۸ ه.ق، مدرسه‌ای با نام مدرسه جریبه شعاعیه به جای قورخانه ساخته شد. در زمان حکمرانی جعفرقلی خان جلیوند ملقب به سهام‌الدوله در سال ۱۳۲۷ ه.ق (۱۲۸۷ ه.ش) مدرسه‌ای برای گسترش آموزش و پرورش ساخته شد که نام آن را همان شعاعیه قرار دادند (روزنامه انجمن اخوت، ۱۳۲۶: ۵/۵).



شکل ۴- دانش آموزان مدرسه شعاعیه با حضور سر لشکر شیبانی مقابل ورودی مدرسه در میدان توپخانه (این تصویر تنها تصویر موجود از دیوار شرقی میدان توپخانه است).<sup>۲</sup>

مسأله مهم آن که بر اساس منابع در سال ۱۳۳۱ ه.ق در دوره حاکمیت مخبرالسلطنه در دوره قاجار در فارس و شیراز توسط مریل، معاون آمریکایی رییس ژاندارمری خزانه، این قورخانه به آتش کشیده شد که موجب انفجار شد و چند نفر در میدان توپخانه کشته شدند و ترکش پرتاب شد (امداد، ۱۳۸۷: ۵۶۸)، بنابراین حتی در زمان دومین بازسازی این مدرسه قورخانه میدان توپخانه همچنان وجود داشته و احتمالاً مدرسه در کنار آن ساخته شده بوده است که در منابع مربوط به مدرسه به این مسأله اشاره ای نشده است! در دوره پهلوی، در سال ۱۳۰۶ ه.ش، مدرسه شعاعیه به دبیرستان شاهپور تغییر نام داد. در سال ۱۳۴۱ ه.ش بنای جدیدی برای مدرسه شاهپور ساخته شد و در سال ۱۳۵۸ ه.ش پس از پیروزی انقلاب اسلامی نام ابوذری برای آن برگزیده شد. در نهایت این بنا در طرح احیای تأسیسات کریم‌خانی در سال ۱۳۸۰ ه.ش تخریب شد و تبدیل به پارک گردید و تنها سردر این مدرسه باقی مانده است.

## ۱۱- ضرابخانه

ضرابخانه وکیل که در غرب بازار وکیل شمالی در بنایی دو اشکوبه واقع شده محل ضرب بود و همچنین همانند بانک‌های امروزی مردم می‌توانستند سکه قرض بگیرند و در واقع مرکز معاملات نقدی بازار بود (اسلامی، ۱۳۵۴: ۲۷). در دوره قاجار نیز همین محل به عنوان ضرابخانه فعال بود (سیرجانی، ۱۳۸۳: ۹۰) با این تفاوت که در هر دوره با تغییر پادشاه، ضرابخانه با نام وی خوانده می‌شد مثلاً ویلیام فرانکلین از این بنا با عنوان ضرابخانه جعفر خان زند نام برده است که تعدادی صراف در آن مشغول بودند (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۲۰). نکته قابل توجه در این ضرابخانه، وجود پنجره چوبی گره چینی از دوره زندیه است.<sup>۳</sup> این محل به مرور دارای مالکیت شخصی شد و طبق سندی، مالکیت آن در دست بانو نصرت الزمان خلیلی از اعضای خاندان خلیلی (صاحب باغ خلیلی<sup>۴</sup>) بود که طبق اسناد در صدد فروش آن برآمد (مرکز اسناد ملی، ۱۳۳۰/۹۸: ۸۰/۹۴۸) و امروزه مالک دیگری دارد.

## ۱۲- نتیجه‌گیری

تأسیسات حکومتی زندی بنا بر محدودیت‌های ارضی موجود می‌بایست در کنار یک‌دیگر جانمایی می‌شدند آن گونه که نیازهای امور نظامی، سیاسی، اقتصادی و شخصی پادشاه و بزرگان را برآورده کند. توجه هم‌زمان به دسترسی‌ها و در عین حال تأمین امنیت بخش‌های حکومتی در طراحی این تأسیسات در نظر گرفته شده بود. اینیه مختلف حکومتی در طول سال‌ها و در طی رویدادهای تاریخی گوناگون و دگرگونی‌های سیاسی و نظامی، گاه کاربری‌های مختلفی داشتند تا آنکه در عصر پهلوی به منظور ساخت ابنیه و ادارات دولتی تخریب و آثار باقی‌مانده نیز دست‌خوش تغییر کاربری شدند. بررسی نقشه دقیق این تأسیسات امری بسیار مهم در جهت بازسازی میدان‌ها و سایر ابنیه آن است که نقش با اهمیتی در توسعه گردشگری تاریخی نیز در شهر شیراز برعهده دارد.

۱ در همین دوره قورخانه دیگری نیز در نزدیکی دروازه قصاب‌خانه در محله بالا کفت احداث شد که آن بنا پیش از آن مدرسه صالحیه مشهور به مدرسه دختر بود و تاریخ دقیق بنای آن مشخص نیست (حسینی فسایی، ۱۳۷۶: ۲/۱۲۲۴).

2 www.shirazgasht.com

۳ که یکی از سه پنجره گره‌چینی این دوره می‌باشد که دو تای دیگر یکی در ارگ و دیگری در راسته علاقه‌بندهای بازار وکیل وجود دارد.

۴ این باغ در غرب و خارج از شیراز نزدیک به قصرالدشت به مالکیت حاج میرزا محمدخلیل خلیلی قرار داشت (مصطفوی، ۱۳۴۳: ۷۶). انواع گل‌های داخلی و خارجی در آن پرورش داده می‌شد (بهروزی، ۱۳۵۴: ۲۶۷) و بیمارستان خلیلی نیز بنا به خواست وی بنا شد (صادقی، ۱۳۳۱: ۳۲).



۱۵. رنجبر محمدعلی و علی اکبر صفی پور (۱۳۸۹)، «مجموعه مقالات کنگره بزرگ زندیه»، چاپ اول، جلد اول و دوم، شیراز: بنیاد فارس شناسی.
۱۶. رنجبران، زینب و علی‌رضا گلشنی (۱۳۹۴)، «شیراز در گذر سیاحان و جهانگردان: بعد از ورود اسلام به ایران تا پایان دوره قاجار» چاپ اول، شیراز: نشر رخشید.
۱۷. ساسانی، خان ملک (۱۳۴۱)، «شاهد شیراز»، چاپ اول، تهران: نشر فردوسی.
۱۸. سامی، علی (۱۳۳۷)، «شیراز شهر سعدی و حافظ، شهر گل و بلبل»، چاپ اول، شیراز: نشر موسوی.
۱۹. سعیدی سیرجانی، علی‌اکبر (۱۳۸۳)، «وقایع اتفاقیه؛ مجموعه گزارش های خفیه نویسان انگلیس در ولایت جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ ه.ق»، چاپ اول، تهران: نشر آسیم.
۲۰. سید شرفه (۱۳۹۶)، «کتاب سفرنامه مجهول؛ شرح حال سید شرفه در وقایع مشروطه فارس»، تصحیح محمدصادق میرزا ابوالقاسمی، چاپ اول، تهران: مجلس شورای اسلامی.
۲۱. صانع، منصور (۱۳۹۰)، «شیراز کودکی ما: عکسهای شیراز قدیم»، چاپ اول، شیراز: نشر صانع.
۲۲. فرانکلین، ویلیام (۱۳۵۸)، «مشاهدات سفر از بنگال به ایران ۱۷۸۶-۱۷۸۷»، ترجمه محسن جاویدان، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. فرصت شیرازی، محمدنصیر (۱۳۷۷)، «آثار عجم»، جلد اول و دوم، چاپ اول، تهران: نشر امیر کبیر.
۲۴. کاشانی، میرزا ابوالحسن (۱۲۱۰ ه.ق)، «گلشن مراد: در احوال سلاطین زندیه».
۲۵. کرزن، جرج (۱۳۷۳)، «ایران و قضیه ایران. ترجمه وحید مازندرانی»، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۶. کریمی، بهمن (۱۳۲۷)، «راهنمای آثار تاریخی شیراز»، چاپ اول، تهران: نشر اقبال.
۲۷. کمالی سروستانی، کوروش (۱۳۸۴)، «دانش نامه آثار تاریخی فارس» چاپ اول، شیراز: مؤسسه فرهنگی و پژوهشی دانش نامه فارس.
۲۸. گلستانه، ابوالحسن بن محمدامین (۱۳۴۶)، «مجمل التواریخ»، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۹. لوتی، پیر (۱۳۷۱)، «سفرنامه پیر لوتی»، ترجمه بدرالدین کتابی، چاپ اول، تهران: نشر اقبال.
۳۰. مدرس صادقی، محمد (۱۳۳۱)، «شیراز امروز»، چاپ اول، شیراز: چاپخانه مهرگان.
۳۱. مصطفوی، سید محمد تقی (۱۳۴۳)، «اقلیم پارس» چاپ اول، تهران: انجمن آثار ملی.
۳۲. معروف علی، عبدالکریم (۱۳۲۶)، «روزنامه انجمن اخوت»، ش ۵، ص ۵.
۳۳. «امور مربوط به موقوفات آقا بابا خان در استان فارس»، ۶۴۷۸/۲۵۰، آرشیو ملی ایران.
۳۴. «مکاتبات پیرامون امور مربوط به ارگ کریم‌خانی و حریم آن در شیراز»، ۱۱۷/۲۳۰/۹۸، مرکز اسناد ملی فارس.
۳۵. «مکاتبات پیرامون پیگیری امور و مشکلات مربوط به بازار و کیل شیراز»، ۸۰/۲۳۰/۹۸، مرکز اسناد ملی فارس.
۳۶. منشی، محمدعلی میرزا (۱۳۸۹)، «شرح منازل میان تهران تا شیراز: از سال ۱۳۰۹ ه.ق»، به کوشش رسول جعفریان، پیام بهارستان. سال دوم، شماره ۸: صص ۲۱-۶۵.
۳۷. مهریار، محمد و دیگران (۱۳۷۸)، «اسناد تصویری شهرهای ایرانی دوره قاجار»، چاپ اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۳۸. موسوی نامی اصفهانی، محمدصادق (۱۳۶۳)، «تاریخ گیتی گشا در تاریخ زندیه»، چاپ اول، تهران: نشر اقبال.
۳۹. نواب شیرازی، علی اکبر (۱۳۷۱)، «تذکره دل‌گشا»، تصحیح دکتر منصور رستگار فسایی، چاپ اول، شیراز: نشر نوید.
۴۰. نوردن، هرمان (۱۳۵۶)، «زیر آسمان شهر»، ترجمه سیمین سمیعی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۱. نیبور، کارستن (۱۳۵۴)، «سفرنامه کارستن نیبور»، ترجمه پرویز رجبی، چاپ اول، تهران: نشر توکا.
۴۲. نیر شیرازی، عبدالرسول (۱۳۸۳)، «تحفه نیر»، تصحیح محمد یوسف نیری، چاپ اول، جلد اول، شیراز: بنیاد فارس شناسی.
43. Domans, Raphael (1890). *Estat de la perse en 1660*, Paris: Ernes leroux.
44. Jones Brydges, Harford (1833). *Dynasty of the Kajars: His Majesty Faty Aly Shah*, London.
45. Jones Brydges, Harford (1833). *Dynasty of the Kajars: His Majesty Faty Aly Shah*, London.
46. Moore, Benjamin (1915). *from Moscow to the Persian gulf*, New york.
47. Morier, james (1816). *a journey through Persia, Armenia and asia minors*, in years 1808 and 1809, V I. Pilladelphia: m.c areyand wells and lilly.
48. Ussher, john (1865). *a journey from London to Perspolis*, London: Hurst and Blackett.
49. Windt, harry (1891). *a ride to india: across Persia and Baluchistan*, London.